

جغرافیا و توسعه شماره ۴۱ زمستان ۱۳۹۴

وصول مقاله : ۱۳۹۴/۰۲/۲۲

تأیید نهایی : ۱۳۹۴/۰۸/۱۷

صفحات : ۱۱-۲۲

سنجش میزان آگاهی عمومی ساکنان به حقوق و قوانین شهری نمونه موردی: محله عامری شهر اهواز

دکتر مسعود صفائی پور^۱، فاطمه پیری^۲

چکیده

بالا بردن میزان آگاهی عمومی ساکنان یک شهر نسبت به حقوق و قوانین شهری از جمله عوامل مهمی است که برای رسیدن به یک شهر پایدار و مطلوب باید به آن توجه کرد. آگاهی شهروندان موجب رسیدن ایشان به حقی است که جامعه برای آنها در نظر می‌گیرد. قوانین و مقررات شهری را می‌توان به عنوان یکی از مهمترین نقاط اتصال بین مدیریت شهری و شهروندان قلمداد نمود. به تعبیر بهتر بازیگران عناصر اصلی مدیریت شهری در پرتو قوانین و مقررات شهری ضمن تعریف نقش برای خود و سایر اعضا می‌توانند شهروندان را در اداره امور شرکت دهند. در این پژوهش هدف شناخت میزان آگاهی ساکنان محله عامری نسبت به حقوق و قوانین شهری است که با استناد به داده‌های پژوهشی به توصیف میزان این آگاهی در بین ساکنان محله مورد نظر پرداخته شد. روش پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی بوده که با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است. و یک نمونه ۳۷۰ نفری در بین ساکنان محله انتخاب و میزان آگاهی در بین آنها مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد میزان آگاهی از حقوق و قوانین شهری در بین ساکنان محله اندک بوده است. از سوی دیگر شاخص مذکور با جنسیت و فعالیت شغلی ساکنان ارتباط معناداری داشته و میزان تحصیلات و سن بر این شاخص تأثیرگذار نمی‌باشند.

کلیدواژه‌ها: آگاهی عمومی، حقوق و قوانین شهری، اهواز، محله عامری.

مقدمه

شهر بدواً انبوهی از افراد انسانی و فضایی را که در آن سکونت گزیده‌اند شامل می‌شود. شهروندان عموماً با سلاقی و انگیزه‌های مختلف در جامعه شهری به فعالیت می‌پردازند. عده‌ای برای کسب و کار، گروهی برای پرکردن اوقات فراغت و گروهی دیگر برای آموختن مهارت‌های فردی و جمعی و غیره از این رو، زندگی اجتماعی مستلزم وجود روابط حقوقی بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه می‌باشد و این روابط اجتماعی می‌بایست تحت نظم و قاعده‌ای درآید. چرا که، در صورت عدم وجود نظم و ضوابط در جامعه، زور، اجحاف و تزویر بر روابط بین افراد حاکم شده و این موضوع موجب ایجاد هرج و مرج و نابسامانی خواهد شد. لذا؛ دولت‌ها و نهادهای عمومی با تعیین و تدوین قواعد و مقررات مربوطه، سیاست خاصی را در جهت تنظیم این روابط در پیش گرفته‌اند (قاسمی و ژیان‌پور، ۱۳۸۶: ۱۶). در ادبیات برنامه‌ریزی امروز شاخص‌های متعدد و گوناگونی برای تبیین میزان توسعه وجود دارد. شاخص‌های مزبور در ابتدای رواج مفهوم توسعه جنبه اقتصادی داشتند اما با گذشت زمان به ترکیبی از عوامل مادی و غیر مادی تغییر یافته‌اند. از میان شاخص‌های سازنده ساختار اصلی توسعه، دانش عمومی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (Sastry, 1997:14). بطوری که در حال حاضر در جوامع مختلف بالا بردن سطح دانش و اطلاعات عمومی در تمام زمینه‌ها از جمله حقوق فردی و قوانین شهری، یکی از وظایف و عملکردهای مهم دولت در قبال جامعه می‌باشد. باید در نظر داشت که آگاهی شهروندان به خودی خود و به واسطه‌ی تجمع آنها در کنار یکدیگر ایجاد نمی‌شود. بلکه باید نهادهای شهری متکفل ایجاد آن باشند. مبرهن است که آگاهی، اولین

و اساسی‌ترین گام در این راه می‌باشد اما در کشورهای در حال توسعه (از جمله ایران) در این زمینه پیشرفت چندانی نداشته‌اند. نتایج تحقیقی اخیر که در این مورد انجام شده نشان می‌دهد که اطلاعات عمومی آمریکاییان ساکن سانفرانسیسکو بطور نسبی تا ده برابر بالاتر از اطلاعات عمومی ساکنان جاکارتا در اندونزی می‌باشد که البته با میزان تحصیلات ارتباط مستقیمی نشان می‌دهد (Webber, 1997:87). بدین ترتیب به راحتی می‌توان دریافت در چنین شرایطی سیاست‌ها، برنامه‌ها و ضوابط قانونی در خلاء آگاهی عمومی، به نتایج قابل توجهی نخواهد رسید و علاوه بر اختلال در مدیریت شهرها خود شهروندان را نیز با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهد کرد. شهر اهواز و محله عامری (به عنوان نمونه مورد بررسی) از این قاعده مستثنی نیست لذا در راستای پژوهش حاضر به بررسی سنجش میزان آگاه عمومی ساکنان نسبت به حقوق و قوانین شهری با تأکید بر برخی از قوانین پرداخته شده تا با شناخت میزان خلاء، امکان رفع کاستی‌ها در این زمینه فراهم گردد. زندگی در محیط‌های شهری، مستلزم پذیرش و نهادینه کردن انواعی از هنجارهای قانونی و حقوقی است که به شکلی پایدار ضمن تأمین نیازهای مختلف افراد روابط پایدار اجتماعی را باعث شود (موسوی، ۱۳۸۲: ۴۳). بدین ترتیب به راحتی می‌توان دریافت در چنین شرایطی سیاست‌ها، برنامه‌ها و ضوابط قانونی در خلا آگاهی عمومی، به نتایج قابل توجهی نخواهد رسید و علاوه بر اختلال در مدیریت شهرها خود شهروندان را با مشکلات زیادی روبرو خواهد کرد. به عبارت دیگر داشتن زندگی مناسب در کنار دیگران و بهره‌مندی از مزایای شهر بدون آگاهی از حقوق، وظایف و تکالیف مرتبط با آن تحقق نمی‌یابد.

مفاهیم و مبانی نظری

از موضوعات مهمی که در حوزه مطالعات شهری، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در سطح جهانی مطرح شده است، بحث رابطه‌ی حقوق شهری، زندگی شهری و مدیریت شهری است. اهمیت حقوق شهری را باید در تدوین قواعد و مقررات راجع به برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری و تأثیرات مثبت ناشی از قانونمند کردن زندگی شهری و سایر پیامدهای دگرگون کننده در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری جستجو کرد. بدیهی است فرآیند تصمیم‌گیری شهری زمانی موجب جلب منافع همگانی و مدیریت شهری خواهد که شهروندان بیشترین مشارکت را در تصمیم‌گیری‌ها از خود نشان دهند. از این رو قانونمند کردن این روند کمک شایانی را به مدیریت شهری و شهروندان و مشارکت در تصمیم‌گیری می‌نماید (هیراسکار، ۱۳۷۶: ۲۰۲). برخی از چالش‌های حقوق اساسی قانون شهرداری به ویژه در ارتباط با موضوع شهروندی عبارتند از: عدم تدقیق حقوق و تکالیف متقابل شهروندان و شهرداری، عدم حضور شهروندان در فرآیند تهیه، بررسی و تصویب برنامه‌های توسعه‌ی شهری (طرح‌های جامع، تفصیلی و غیره)، فقدان راهکارهای جلب مشارکت‌های شهروندی، فقدان مدیریت واحد شهری (هاشمی، ۱۳۷۶: ۴۸).

باستیه معتقد است فرآیند تصمیم‌گیری شهری زمانی موجب منفعت مدیریت شهری می‌شود که شهروندان بیشتر به مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها علاقه پیدا کنند. (نجاتی‌حسینی، ۱۳۷۹: ۶۳).

لوور اظهار می‌کند که؛ محرومیت شهروندان از حقوق شهروندی، کیفیت زندگی آن‌ها را به شدت تنزل می‌دهد (Lauer, 2002: 297). مارشال حقوق شهروندی را در سه بعد تجزیه کرده است.

بعد مدنی: که شامل آزادی‌های فردی، مذهب، بیان، اندیشه و غیره می‌شود.

بعد سیاسی: که دربرگیرنده‌ی حق مشارکت شهروندان در اعمال قدرت سیاسی (چه در نقش دارنده‌ی قدرت سیاسی و چه در نقش رأی‌دهنده یا تعیین‌کننده کسی که دارای قدرت سیاسی خواهد بود) می‌باشد.

بعد اجتماعی: که دامنه‌ی گسترده‌ای از حقوق حداقلی از رفاه اجتماعی و تأمین اجتماعی برای شهروندان تا حق سهیم شدن در میراث اجتماعی و غیره را دارد (Marshall, 1998: 8-13).

قانون: قانون عبارتست از قاعده‌ای که توسط یک قدرت عمومی مقرر شده و مدلول آن الزام یا اذن و اباحه است و همه افراد باید از آن پیروی کنند (فتحی و جارگاه، ۱۳۸۸: ۲۹).

حقوق شهری: حقوق شهری، شاخه‌ای از حقوق عمومی و تنظیم‌کننده روابط شهروندان و مدیران شهری است. در تعریفی خاص‌تر، اصطلاح مزبور به مجموعه قوانین و مقرراتی می‌شود که روابط شهروندان با ادارات شهر و نهادهای ذی مدخل در امر محلی و شهری را تنظیم نموده و حقوق و تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری‌ها و سایر ادارات شهری را تبیین می‌کند (لطفی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

قوانین و مقررات شهری: قوانین و مقررات شهری را می‌توان به عنوان یکی از مهمترین نقاط اتصال بین مدیریت شهری و شهروندان قلمداد نمود. به تعبیر بهتر بازیگران عناصر اصلی مدیریت شهری در پرتو قوانین و مقررات شهری ضمن تعریف نقش خود، برای خود و سایر اعضا می‌توانند شهروندان را در اداره‌ی امور مشارکت دهند (سیدصدر، ۱۳۸۷: ۱۳).

شهروندی: از جمله مفاهیم نو پدیده‌ای است که بطور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. مقوله "شهروندی" وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی

برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند (GuideBens, 1998: 64). در نهایت باید اذعان داشت، شهر هنگامی از ساختارهای آجری و سیمانی فراتر می‌رود و هویت واقعی خود را می‌یابد که از شهروندان تشکیل شود (توکلی، ۱۳۸۰: ۱۴).

مؤلفه‌های شهروندی: برای شهروندی، مؤلفه‌هایی وجود دارد. صاحب‌نظران، با توجه به نوع نگاه خود، مؤلفه‌های شهروندی را مطرح می‌کنند.

منکسر: احساس تعهد، احساس برابری، کنجکاوی و ترقی‌طلبی، اطاعت از قانون، توجه به نفع عمومی، مشارکت و غیره را از جمله مؤلفه‌های اساسی شهروندی می‌داند (Minkler, 1998: 38).

توماس‌دی: مشارکت، تعاون، همکاری و دانایی محوری (Dee, 2004: 67).

می‌هوپی‌لیو: آراستگی شخصی، دانش محوری محلی-ملی و جهانی، سخت‌کوشی، وطن‌دوستی، تبعیت از قانون، نوع دوستی، مشارکت (Liu, 2001: 21).

فالکس: مسؤولیت‌پذیری و بسط ارتباطات انسانی، کل‌نگری، احترام به اصول اخلاقی (Faulks, 2000: 54).

و سامرز تفکر انتقادی، توجه به نفع عمومی، مشارکت در زمینه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، درک نیازها و نگرش‌های دیگران، رفتار متعهدانه و غیره را مد نظر قرار می‌دهد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸: ۱۷-۱۶).

پیشینه پژوهش

شایان ذکر است که از نظر پیشینه‌ی تحقیق، با توجه به جدید بودن موضوع منابع تحقیقاتی موجود بسیار محدود بوده و می‌توان گفت تاکنون در زمینه بررسی آگاهی شهروندان نسبت به حقوق و قوانین شهری پژوهش‌های محدودی انجام گرفته است و یافته‌های در دسترس، در حد اشاراتی در پژوهش‌های

دیگر می‌باشد، اما به صورت مستقل تحقیقاتی پیرامون ملاحظات حقوق شهروندی و قوانین شهری انجام شده که در زیر به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود. از این منظر پژوهش حاضر به عنوان مدخلی برای بررسی‌های بیشتر قابل نقد و بررسی خواهد بود:

محمدی و تبریزی (۱۳۹۰)، در مطالعه‌ای میزان آگاهی عمومی شهروندان گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال شهرهای بابل، ساری، آمل و قائم‌شهر نسبت به حقوق و قوانین شهری مورد بررسی قرار داده‌اند، یافته‌های این محققان نشان داده که میزان آگاهی شهروندان نسبت به حقوق شهروندی و قوانین شهری در جامعه مورد مطالعه اندک است. از سوی دیگر شاخص مذکور با جنسیت و تغییرات سنی شهروندان ارتباط معناداری داشته و میزان تحصیلات دانشگاهی بر این شاخص تأثیرگذار نمی‌باشد. پورعزت و همکاران (۱۳۸۸)، رابطه‌ی آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ‌گویی و شفافیت سازمان‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند: یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که افزایش آگاهی مردم، موجب مشارکت بیشتر آنها برای ادای تکلیف در امور شهری و افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی در عملکرد شهرداری (یا حداقل شکل‌گیری چنین ادراکی در شهروندان) می‌شود و همچنین آگاهی از حقوق شهروندی در حوزه‌های گوناگون شهرداری، با یکدیگر تفاوت دارد. لطفی و همکاران (۱۳۸۸)، به بررسی نقش مدیریت شهری و جایگاه در ارتقاء حقوق شهروندان پرداخته‌اند. مدیریت شهری می‌تواند با آموزش شهروندان به پیگیری حقوق خویش، تخاذل رویکرد شهروندمداری و ایجاد فضای گفتگو میان شهروندان و مدیران شهری، جامعیت و عدم تبعیض میان شهروندان، حاکمیت قانون، مسؤولیت‌پذیری در قبال شهروندان، کارایی و اثر بخشی، شفافیت و پاسخ‌گویی در جهت ارتقاء شهروندان نقش‌آفرینی کند.

قلمرو مورد مطالعه

محله عامری (محله ۱۰) در تقسیمات جغرافیایی اهواز در شمال شرقی در منطقه ۳ قرار دارد. این محله از شمال به محله خرم کوشک، از شرق به محله سخیره، از غرب به رودخانه‌ی کارون، از جنوب به خیابان رضوی محدود می‌گردد. سطح این محله ۳۲/۲ هکتار است در حال حاضر جمعیت محله عامری بیش از ۱۰۱۳۹ نفر، تراکم ناخالص آن ۲۶۰/۸۶ نفر در هکتار و تراکم خالص آن ۴۲۳ نفر در هکتار می‌باشد خیابان شریعتی و محورهای منتهی به پل‌های معلق و چهارم به عنوان مراکز اصلی داد و ستد شهری اهواز می‌باشند که در جنوب محله قرار دارند (محمدی‌ده‌چشمه، ۱۳۸۴: ۴). ساختار کلی این محله به سه بخش کاملاً متمایز تقسیم می‌شود:

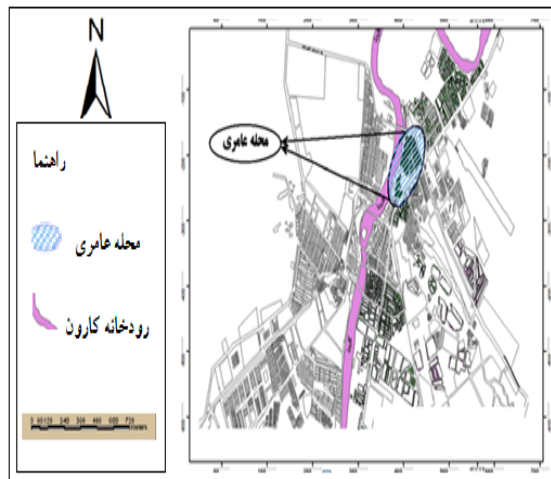
الف- لایه حاشیه‌ای خیابان‌های اصلی (کاربری تجاری- خدماتی)

ب- لایه‌های درونی (کاربری مسکونی)

ج- مجموعه فرهنگی- مذهبی (حرم مطهر علی بن مهزیار) با توجه به انواع بافت‌ها، این محله جزء بافت تاریخی (هسته اولیه) می‌باشد (شمشادزاده، ۱۳۸۸: ۹۲).

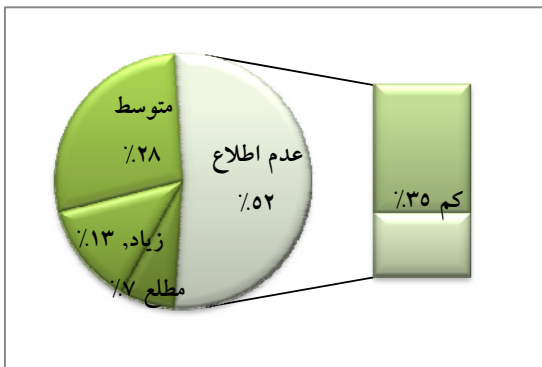
روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع پژوهش شاخص‌های مورد مطالعه، رویکرد حاکم بر این تحقیق روش پیمایشی با استفاده از پرسشنامه می‌باشد. همچنین در راستای تقویت مبانی نظری و دقت در گردآوری و تنظیم داده‌ها از روش اسنادی نیز استفاده گردیده است. پرسشنامه در دو مرحله آزمون و بازآزمایی توسط ۳۰ نفر از اعضای جامعه مورد مطالعه تکمیل گردیده است. نتایج ضریب همبستگی نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ میان امتیاز پاسخ‌گویان همبستگی قابل توجهی وجود دارد $R=0/841$ و پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه ساکنان محله عامری واقع در شهر اهواز می‌باشد. و نمونه‌گیری از نوع تصادفی می‌باشد. برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۴) با سطح اطمینان ۹۵٪ خطای استاندارد ۵٪ استفاده شده و بدین ترتیب حجم نمونه ۳۷۰ نفر برآورد گردیده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی با به‌کارگیری نرم‌افزار SPSS، استفاده شده است. هدف پژوهش حاضر بررسی میزان آگاه عمومی ساکنان نسبت به حقوق و قوانین شهری با تأکید بر برخی از قوانین پرداخته شده است، سؤالات اساسی پژوهش حاضر به این ترتیب است که آیا بین جنسیت و میزان آگاهی از حقوق و قوانین شهری ارتباط وجود دارد؟ آیا بین تحصیلات افراد و میزان آگاهی آنها از حقوق و قوانین شهری ارتباط وجود دارد؟ آیا با افزایش سن افراد میزان آگاهی آنها از حقوق و قوانین شهری بیشتر می‌شود؟ آیا بین شغل افراد و میزان آگاهی آنها از حقوق و قوانین شهری ارتباط وجود دارد؟



شکل ۱: موقعیت محله عامری در شهر اهواز

مأخذ: سازمان مسکن و شهرسازی اهواز



شکل ۲: میزان آگاهی عمومی ساکنان محله از حقوق و قوانین شهری
 مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۲

بررسی جنبه‌های مختلف این موضوع نشان می‌دهد که ناآگاهی و یا کم آگاهی ساکنان نسبت به حقوق و قوانین شهری علاوه بر مسائل و مشکلات شخصی منجر به بروز نارسایی‌ها و مشکلات زیادی در جامعه خواهد شد که عملکرد و کالبد شهری را با مشکلات فراوانی رو به رو می‌کند و مشارکت شهروندان را نیز کم‌رنگ خواهد کرد. از طرف دیگر با بررسی اجمالی از میزان اطلاع عمومی به حقوق و قوانین شهری می‌توان گفت که، ۷۱٪ از ساکنان تمایلی به مطالعه در زمینه‌ی حقوق و قوانین شهری از خود بروز نداده و ۲۹٪ باقیمانده که تمایل به مطالعه در این زمینه داشته‌اند اکثراً شامل افرادی است که قبلاً در یکی از زمینه‌های حقوقی با شهرداری دچار مشکلاتی شده‌اند و یا در مشاغل مرتبط با شهر و شهرداری مشغول به کار بوده‌اند.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بین جنسیت و میزان آگاهی از حقوق و قوانین شهری ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: هر چه تحصیلات افراد بالاتر باشد میزان آگاهی آنها از حقوق و قوانین شهری بیشتر است.

فرضیه سوم: با افزایش سن افراد میزان آگاهی آنها از حقوق و قوانین شهری افزایش می‌یابد.

فرضیه چهارم: بین شغل افراد و میزان آگاهی آنها از حقوق و قوانین شهری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

یافته‌های پژوهش (یافته‌های توصیفی)

میزان آگاهی ساکنان از حقوق و قوانین شهری

در حالت عمومی

همانطور که در جدول شماره (۱) قابل مشاهده است، اکثر ساکنان از حقوق و قوانین شهری در رابطه با شهرداری اطلاعی نداشته و افراد مطلع ۷٪ از جامعه‌ی مذکور را به خود اختصاص داده‌اند.

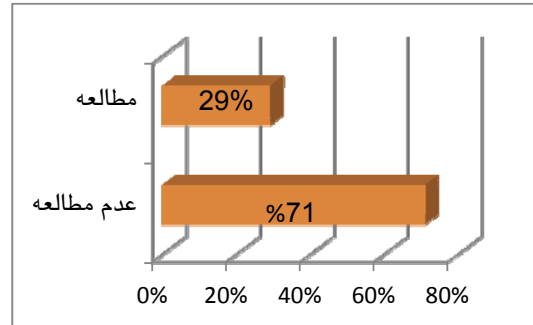
جدول ۱: میزان آگاهی عمومی ساکنان محله

از حقوق و قوانین شهری

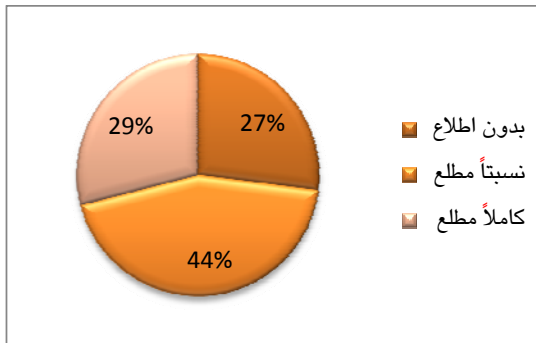
میزان / گویه‌ها	عدم اطلاع	کم	متوسط	زیاد	مطلع
درصد	۱۷٪	۳۵٪	۲۸٪	۱۳٪	۷٪
درصد تجمعی	۱۷٪	۴۷٪	۸۰٪	۹۳٪	۱۰۰٪

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۲

بسیاری از شهروندان در این مورد با شهرداری دچار مشکل گردیده و مجبور به پرداخت هزینه و جریمه شده‌اند. عدم اطلاع ساکنان در این مورد در گذشته علاوه بر خسارات مالی موجب شد به دلیل عدم تخریب ساخت و سازهای اضافی در اکثر موارد، کالبد شهر (محله) چه از لحاظ بصری و چه از لحاظ عملکردی دچار مشکلات فراوان باشد.



شکل ۳: درصد مطالعه‌ی ساکنان در زمینه‌ی حقوق و قوانین شهری
مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۲



شکل ۴: درصد اطلاع عمومی ساکنان از ماده‌ی صد شهرداری
مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۲

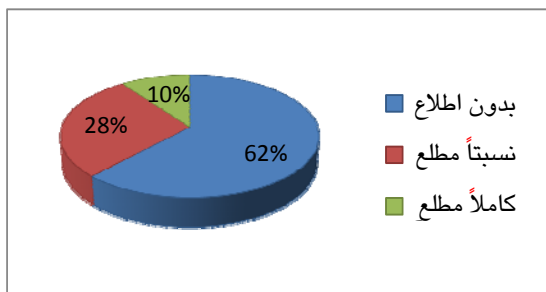
قوانین مربوط به حق شهرداری در خرید املاک

قوانین مربوط به حق شهرداری در خرید املاک، ماده ۱۱۱: هرگاه برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی وزارتخانه‌ها یا مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت، همچنین شهرداری‌ها و بانک‌ها و دانشگاه‌های دولتی و سازمان‌هایی که شمول قانون نسبت به آن‌ها مستلزم ذکر نام باشد و از این پس دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند، به اراضی، ابنیه، مستحقات، تأسیسات و سایر حقوق مربوط به اراضی مذکور متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی نیاز داشته باشند و اعتبار آن قبلاً به وسیله‌ی دستگاه اجرایی یا به وسیله‌ی سازمان برنامه و بودجه تأمین شده باشد، دستگاه اجرایی می‌تواند مورد نیاز را مستقیماً یا به وسیله‌ی هر سازمان خاصی که مقتضی بداند بر طبق

میزان اطلاع عمومی از قوانین انتخابی

بر اساس ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها، مالکین اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم آن باید قبل از هر اقدام عمرانی یا تفکیک اراضی و شروع ساختمان از شهرداری پروانه اخذ نمایند. شهرداری می‌تواند از عملیات ساختمانی ساختمان‌های بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه به وسیله‌ی مأمورین خود اعم از آنکه ساختمان در زمین محصور یا غیر محصور واقع باشد جلوگیری نماید (منصور، ۱۳۸۶: ۱۲۲).

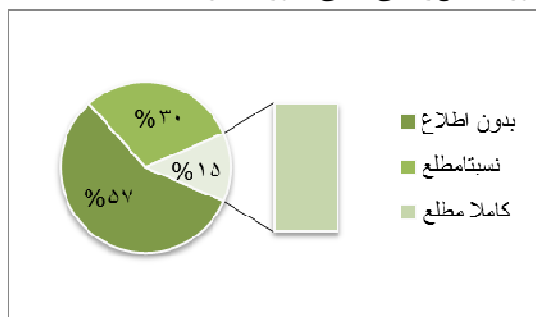
همانطور که از شکل شماره (۴) می‌توان دریافت، افراد بدون اطلاع، نسبتاً و کاملاً مطلع نسبت به ماده صد به ترتیب، ۲۷٪، ۲۹٪ و ۴۴٪ درصد بوده است. نکته قابل توجه این است که میزان اطلاع مردم نسبت به ماده صد شهرداری در مقایسه با دیگر مواد مورد بررسی بیشتر است و این بدان دلیل است که چون محله‌ی مورد مطالعه جزء بافت‌های فرسوده و قدیمی می‌باشد و بافت مسکونی این محله بیشتر به صورت عرصه و اعیان بوده ولی با گذشت زمان شیوع برنامه‌های نوسازی و بهسازی در این محله موجب تخریب این بافت و جایگزینی آن به وسیله‌ی ساختمان‌های بلند مرتبه و موارد مشابه دیگر (بازارچه، فضای سبز و غیره) که طبیعتاً با توجه به عدم اطلاع عمومی از قوانین مربوط به ساخت و سازهای شهری



شکل ۶: درصد اطلاع عمومی ساکنان از ماده ۱۱۰ قانون شهرداری
مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۲

قوانین مربوط به حق کسبه و پیشه

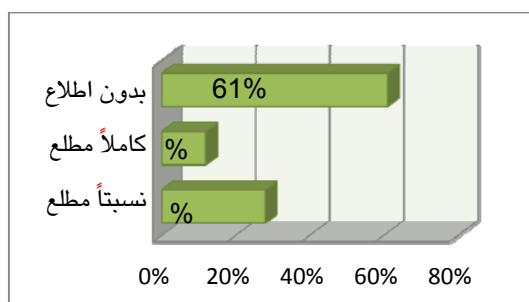
قوانین مربوط به حق کسبه و پیشه، ماده ۱: پرداخت حق کسب و پیشه یا تجارت اشخاص (اعم از مستأجر یا متصرف یا خود مالک) که محل کار آنان در اثر اجرای طرح‌های احداث و توسعه‌ی معابر و نوسازی و عمران شهری از بین می‌رود طبق مقررات این آیین‌نامه از طرف شهرداری پرداخت می‌شود (منصور، ۱۳۸۶: ۳۴۲). در مجموع تفاوت زیادی بین میزان اطلاع و عدم اطلاع از قوانین مربوط به حق کسبه و پیشه وجود دارد بالای ۵۰٪ ساکنان حتی افرادی که به مشاغل تجاری مشغول بوده‌اند از این قانون اطلاع کافی نداشته‌اند که به دلیل ذینفع بودن شهرداری در این مورد اطلاع‌رسانی کافی صورت نگرفته است.



شکل ۷: درصد اطلاع عمومی ساکنان از قوانین مربوط به حق کسبه و پیشه
مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۲

مقررات مندرج در این قانون خریداری و تملک نماید (منصور، ۱۳۸۶: ۳۷۰).

عدم اطلاع عمومی در مورد قوانین مربوط به حق شهرداری در خرید املاک واقع در طرح‌های عمران عمومی (۶۱٪) را به خود اختصاص داده است که نشان از سطح آگاهی پایین ساکنان از قوانین مورد نظر دارد.



شکل ۵: درصد اطلاع عمومی ساکنان از قوانین مربوط به حق شهرداری در خرید املاک
مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۲

ماده ۱۱۰ (زمین یا بناهای مخروبه و غیرمناسب با وضع محل و منافعی با پاک‌ی و پاکیزگی و زیبایی شهر)

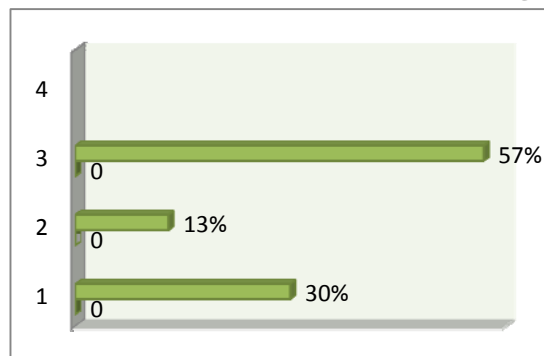
نسبت به زمین یا بناهای مخروبه و غیر مناسب با وضع محل و یا نیمه‌تمام واقع در محدوده‌ی شهر که در خیابان یا کوچه و میدان قرار گرفته و منافعی با پاک‌ی و پاکیزگی و زیبایی شهر یا موازین شهرسازی باشد، شهرداری با تصویب انجمن شهر می‌تواند به مالک اخطار کند (منصور، ۱۳۸۶: ۱۳۲).

همانطور که در نمودار شماره (۶) می‌بینیم اطلاع عمومی ساکنان نسبت به ماده ۱۱۰ قانون شهرداری در سطح پایینی قرار دارد (۶۲٪).

قوانین مربوط به منع قطع درختان

به موجب ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها خارج از محدوده قانونی شهرها و شهرک‌ها (مصوب ۱۳۷۴)، به منظور حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها و تداوم و بهره‌وری آنها از تاریخ تصویب این قانون، تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها در خارج از محدوده قانونی شهرها و شهرک‌ها، جز در موارد ضروری ممنوع می‌باشد و حسب تبصره ۲ همین ماده، مرجع تشخیص اراضی زراعی و باغ‌ها در خارج از محدوده قانونی شهرها و شهرک‌ها، وزارت کشاورزی بوده و تغییر کاربری این اراضی در روستاها نیز طبق ضوابطی خواهد بود که وزارت کشاورزی معین خواهد نمود (حاتمی و همکاران، ۱۳۷۳: ۱۹۵).

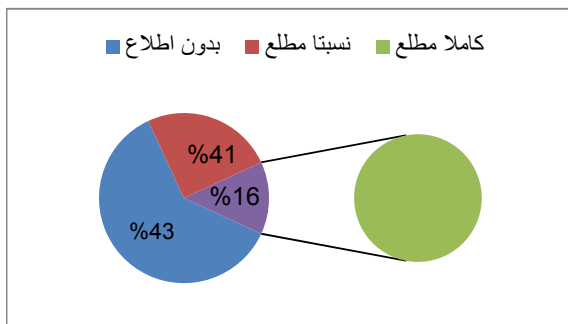
همانطور که در شکل شماره (۸) قابل ملاحظه است، افراد بدون اطلاع، نسبتاً و کاملاً مطلع از این قانون به ترتیب ۵۷٪، ۳۰٪ و ۱۳٪ درصد بوده است که نشان می‌دهد آگاهی ساکنان در این مورد در سطح متوسط رو به پایین قرار دارد که علت آن نداشتن برنامه‌ریزی اصولی از طرف شهرداری برای نگهداری و فضای سبز بوده است و قوانین مرتبط با آن را نیز به درستی اجرا نمی‌نماید.



شکل ۸: درصد اطلاع عمومی ساکنان از قوانین مربوط به منع قطع درختان مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۲

قوانین مربوط به نگهداری، تعمیر و احداث مکان‌های عمومی (ماده ۵۵)

میزان اطلاع عمومی ساکنان نسبت به وظایف شهرداری در نگهداری، تعمیر و احداث مکان‌های عمومی که یکی از ابتدایی‌ترین وظایف شهرداری‌ها می‌باشد. دلالت بر سطح نسبتاً بالای (سطح متوسط) آگاهی ساکنان در این زمینه دارد. افراد بدون اطلاع، نسبتاً آگاه و کاملاً مطلع از قوانین مربوط به مکان‌های عمومی به ترتیب ۴۳٪، ۴۱٪ و ۱۶٪ درصد از جامعه را به خود اختصاص داده‌اند.



شکل ۹: درصد اطلاع عمومی ساکنان از قوانین مربوط به نگهداری، تعمیر واحداث مکان‌های عمومی مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۲

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: رابطه میان میزان آگاهی از حقوق و قوانین شهری با جنسیت

محاسبات نشان می‌دهد ضریب همبستگی میان میزان آگاهی از حقوق و قوانین شهری و جنسیت ساکنان بسیار بالا و برابر ۹۵٪ بوده (ضریب اطمینان ۹۹٪) با این توصیف که میزان این آگاهی در مردان در مقایسه با زنان بسیار قابل توجه می‌باشد بدین ترتیب فرضیه‌ی اول پژوهش تأیید می‌گردد. که تفاوت و معناداری بودن این آگاهی را می‌توان در نوع فعالیت شغلی و میزان ارتباط بیشتر مردان با شهرداری و مسائل مربوط به امور شهری دانست.

فرضیه دوم: رابطه میان میزان آگاهی از حقوق و قوانین شهری با تحصیلات

با توجه به یافته‌های آماری ضریب همبستگی میان میزان آگاهی از حقوق و قوانین شهری با سطح تحصیلات ساکنان پایین بوده و در سطح اطمینان ۹۵٪ برابر با ۳۸٪ و بدین ترتیب میان سطح تحصیلات و میزان آگاهی از حقوق و قوانین شهری ارتباط معناداری وجود نداشته و برخلاف انتظار فرضیه دوم پژوهش رد می‌گردد. نتیجه می‌گیریم که میزان این اطلاع ارتباطی با میزان تحصیلات نداشته و بسیاری از ساکنان با وجود تحصیلات پایین، به صورت تجربی با حقوق و قوانین آشنایی پیدا کرده‌اند.

جدول ۲: میزان آگاهی ساکنان از حقوق و قوانین شهری به تفکیک سطح تحصیلات

دانش حقوقی / تحصیلات	فوق دیپلم و کمتر (درصد)	لیسانس (درصد)	فوق لیسانس و بالاتر (درصد)
بدون اطلاع	۲۳٪	۱۲٪	۸٪
نسبتاً مطلع	۲۶٪	۱۰٪	۲٪
کاملاً مطلع	۱۲٪	۴٪	۳٪

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۲

فرضیه سوم: رابطه میان میزان آگاهی از حقوق و قوانین شهری و سن

برای تعیین وجود یا عدم وجود تفاوت میان دانش حقوقی شهروندان و سن آنها (در محله مورد مطالعه) از آزمون ضریب همبستگی استفاده شده است. یافته‌های آماری نشان می‌دهد که رابطه‌ی همبستگی بین میزان آگاهی از حقوق و قوانین شهری و سن افراد در سطح پایینی قرار داشته بدین ترتیب میان آنها ارتباط معناداری وجود نداشته و برخلاف انتظار فرضیه سوم پژوهش رد می‌شود.

فرضیه چهارم: رابطه میان میزان آگاهی از حقوق و قوانین شهری و شغل

محاسبات نشان می‌دهد ضریب همبستگی میان میزان آگاهی از حقوق و قوانین شهری و شغل افراد بالا بوده و برابر ۸۸٪ می‌باشد (ضریب اطمینان ۹۵٪). بدین ترتیب فرضیه چهارم پژوهش اثبات می‌گردد. با اندکی تفحص در نوع فعالیت شغلی و میزان ارتباط افراد با شهرداری دلیل این امر قابل بررسی می‌باشد. مطالعات حاکی از آن است که اکثر افراد نسبتاً مطلع و کاملاً آگاه به حقوق و قوانین شهری افرادی هستند که در مشاغل دولتی خصوصاً مشاغل مرتبط با شهرداری و امور شهری فعالیت دارند و اکثر افراد فوق‌الذکر دارای مشاغلی مانند: بنگاه معاملاتی، بساز و بفروشی، واسطه‌گری مصالح ساختمانی، کارمند شهرداری و غیره می‌باشند.

نتیجه

ارتقای آگاهی ساکنان از حقوق و قوانین شهری یعنی متناسب‌سازی منابع، امکانات و خدمات دولت‌ها در همه‌ی عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی که تحقق این امر خود فرآیندی طولانی‌مدت به شمار می‌رود. با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش مورد نظر نتیجه می‌گیریم که میزان آگاهی از حقوق و قوانین شهری در بین ساکنان محله عامری در سطح نسبتاً پایینی قرار داشته که دلایل آن را می‌توان در موارد زیر یافت:

وابستگی و تعلق خاطر ساکنان به محله و عدم آمادگی آنها برای تغییر و ساخت و سازهای جدید در بافت قدیم و همچنین ناآشنایی آنها به اصول و قوانین جدید در این زمینه به دلیل عدم اطلاع‌رسانی شهرداری و سازمان‌های ذیربط (در بعضی از موارد به

- طراحی و توزیع بروشورهای تبلیغاتی در بین گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه خصوصاً قشر جوان و تحصیل کرده؛
- اجرای دقیق قوانین برای همه ساکنان بدون استثنا.

منابع

- پورعزت، علی اصغر؛ آرین قلی پور؛ حوریه باغستانی برزکی (۱۳۸۸). رابطه‌ی آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ‌گویی و شفافیت سازمان‌ها، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی. سال دهم. شماره ۳۸. صفحات ۳۹-۷.
- توکلی، فرحناز (۱۳۸۰). هویت شهروندی؛ حقوق و تکالیف، ماهنامه شهرداری‌ها. شماره ۴۴.
- حاتمی، علی اصغر؛ جواد بهشتی؛ حبیب‌اله کرمی (۱۳۷۳). شرحی بر مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۷۰/۶/۲۱. مجله کانون وکلا. شماره ۹-۸. تهران.
- شمشادزاده، مصطفی (۱۳۸۸). باززنده‌سازی الگوهای مشارکت در بافت‌های فرسوده شهری، نمونه موردی: محله عامری شهر اهواز، پایان‌نامه دوره‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- فتحی، کوروش؛ طلعت دیبا اجارگاه (۱۳۸۸). تربیت شهروندی، چاپ اول. تهران. نشر فاخر.
- قاسمی، وحید؛ مهدی ژیان پور (۱۳۸۶). مشارکت در امور شهری به مثابه‌ی حق و وظیفه‌ی شهروندی (مورد مطالعه: اصفهان و فرایبرگ)، در کتاب مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی. تهران. مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- دلیل ذی‌نفع بودن شهرداری)، پایین بوده مشکلات فوق منجر به عدم رعایت حقوق ساکنان و اجرای ناموفق قوانین شهری و نیز معضلاتی می‌گردد که امروزه اکثر شهرهای ما با آن مواجه‌اند. با توجه به اهمیت عنصر آگاهی در بین ساکنان برای رعایت کردن این قوانین جهت رسیدن به یک شهر سالم می‌بایست برنامه‌ریزی صحیحی جهت ارتقای این آگاهی تدارک دید. ابتدا لازم است فرهنگ عمومی به سمت وارد کردن معیارهای حقوق شهروندی و قوانین شهری به جامعه صورت گیرد. این کار باید از ابتدای ورود افراد به نظام آموزشی صورت گیرد. افزایش آگاهی‌های عمومی در این زمینه شهرها را در رسیدن به فرآیند توسعه همراهی می‌کند. در این راستا نهادینه کردن این حقوق و قوانین در عرصه‌های مختلف جامعه می‌بایست سرلوحه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان قرار گیرد.

پیشنهادها

- طراحی برنامه‌های آموزشی برای تقویت نگرش ساکنان جهت مشارکت در اجرای قوانین؛
- طراحی و اجرای برنامه‌های مشارکتی برای ساکنان جهت مشارکت آنان در پیاده‌سازی قوانین؛
- ایجاد انگیزه در بین ساکنان برای اجرای قوانین از طریق ترغیب و تشویق آنان از طرف سازمان‌های مربوطه؛
- استفاده از رسانه‌های گروهی برای افزایش میزان آگاهی در بین ساکنان؛
- اصلاح منطقی بعضی از قوانین و مقرراتی که بیشترین درگیری را در بین ساکنان و سازمان‌های ذی‌ربط به وجود آورده؛
- توجه به حقوق ساکنان در قبال سازمان‌های مربوط و فراهم کردن محیطی سالم برای آنان؛

- Bens, Guide (1998). Citizens responsibilities of Citizens, Community Responsibilities.
- Dee. T.S (2004). Are there Civic Return to Education? International journal Educatinal Research, Vol.88. No.9-10.
- Faulks, K (2000). Citizenship, New York, Routledge.
- Lauer. H., R, hauer, C. J (2002). Social Problems and the Quality of life, New York, McGraw- Hill.
- Liu. M (2001). The Development of Civic Values, Case Study of Taiwan. International Journal Educational Research. Vol. 35. Ni.1.
- Marshal. G (1998). Dictionary of Sociology, Oxford, Oxford University Press.
- Minkler. J (1998). Active Citizenship, Empowering America's Youghth, In. WWW.Frenso.edu/ sps/ minkler, html.
- Sastry. K, R (1997). Paticipation Connotation & Contact Asia-pacific Journal Development, Vol. I. No.I.
- Webber, Melvin, M (1997). The urban place and non place urban realm, university of Pennsylvania.
- لطفی، حیدرعلی؛ فرداد عدالتخواه؛ مینو میرزایی؛ شب بو وزیرپور (۱۳۸۸). مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی. سال دوم. شماره اول. صفحات ۱۱۰-۱۰۲.
- محمدی، جمال؛ نازنین تبریزی (۱۳۹۰). سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی و قوانین شهری، مجله تخصصی جامعه‌شناسی شهری، سال اول. شماره اول. صفحات ۱۹۰-۱۷۶.
- محمدی‌ده‌چشمه، مصطفی (۱۳۸۴). اکولوژی اجتماعی شهر اهواز. محلات عامری و کیانپارس، پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز. به راهنمایی دکتر ناهید سجادیان.
- منصور، جهانگیر (۱۳۸۶). قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، چاپ چهاردهم. تهران. نشر دپدار.
- موسوی، سیدیعقوب (۱۳۸۲). محدودیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه‌ی حقوق شهروندی در ایران، چکیده مقالات و تحقیقات همایش راهکارهای توسعه‌ی فرهنگ شهروندی. اصفهان. انتشارات محبان.
- نجاتی‌حسینی، سید محمود (۱۳۷۹). جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت: به نقل از باستیه، مجله مدیریت شهری تهران.
- هاشمی، فضل‌الله (۱۳۷۶). حقوق شهروندی و قوانین شهرسازی، تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- هیراسکار، جی کی (۱۳۷۶). درآمدی بر مبانی برنامه‌ریزی شهری، ترجمه محمدرضا سلیمانی و احمدرضا یکانی فرد. ماجد. تهران.